**نظر به حضرت مهدی**«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» **و درک حضور نهایی امروزین خود**

**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

«اَلسَّلامُ عَلَی مُحْیِی الْمُؤمِنینَ وَ مُبیرِ الْكافِرینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْمَهْدِیِّ الْاُمَم.اَلسَّلامُ عَلَی الْقائِمِ الْمُنْتَظَر وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَر اَلسَّلامُ عَلَی بَقِیَّةِ اللهِ فی بِلادِهِ.» سلام بر آن امامی كه موجب احیاء مؤمنین و نابودی كافران خواهد شد. سلام بر مهدی امّت، سلام بر قائم منتظَر و عدل مورد نظر... سلام بر بقیۀ الله در هرجایی، كه آن جا شهر خدا خواهد بود.

1-**شرط صحیح نگاه‌کردن به پرتو نور خدا در «خود» و در «تاریخ».** با توجه به این‌که امام مهدیِ ما، موعودِ موجود است. در زندگی باید به آن افق نهایی انسانیت نگریست و نگاه به نهایی‌ترین مرحله تاریخ، این است شرط صحیح نگاه‌كردن به پرتو نور خدا در خود و در همه تاریخ.

2- **ما از دریا دور نیستیم.** اگر واقعیت ما «وجودِ» ما می‌باشد و آن همان «حیات» ما است که در وجود و هستی خود، مانند نفس‌کشیدن، حضوری دیگر را مدّ نظر داریم تا به وجود خود وفادار بمانیم، وجودی که رودی است متصل به دریا، پس ما از دریا دور نیستیم تا از جان‌های بزرگ که بنیان انسانیت انسان‌ها می‌باشند، یعنی انسان‌های کامل، دور باشیم و گرفتار تنزل انسان شویم و از حیات و از زندگی و از «وجود» دور گردیم. این‌جا است که به انسان کاملی زنده و موجود نیاز داریم تا خود را پاره‌ای از او احساس کنیم و راه‌مان جدا باشد از آنانی که حضور امام حیّ و موجود ما را برای ظهور در فردایش، از امروزمان جدا و دور می‌کنند. امامی که هم‌اکنون تا این اندازه در نایب خود حاضر است. نایبی که با سخنان و سیره خود به او اشاره دارد تا انسان از محتوایی که در بنیان خود نسبت به حضرت صاحب الأمر«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» دارا است، بهره‌مند شود.

3-**عالَم‌گیریِ انسانیت انسان‌ها.** آیا نباید منتظر برآیند كارهای انبیاء و اولیاء در تاریخ بود؟ پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌واله» فرمودند: «وَالَّذی بَعَثْنی بِالْحَقِّ بَشیراً ،لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنیا اِلّا یَوْمٌ واحدٌ لَطَوَّلَ الله ذالِكَ الْیَوم حَتّی یَخْرُجَ فیهِ وَلَدی الْمَهدی»، قسم به خدایی كه مرا مبعوث كرد تا از خوبی‌ها خبر بدهم، اگر از دنیا نمانده باشد مگر یك روز، خدا آن روز را آن‌قدر طولانی می كند تا این كه مهدی كه فرزند من است، ظهوركند. «وَ یَبْلُغُ سُلطانُهُ الْمَشرِقَ وَ الْمَغْرِبَ» حاكمیت فرزندم كه حاكمیت اسلام نهایی است، مشرق و مغرب را فرامی گیرد. به همان معنایی که انسانیت انسان‌ها تحت تأثیر حضور انسان کامل، عالم‌گیر می‌شود و همگان خود را در آن حضورِ متعالی احساس می‌کنند.

4- **جستجوی «خود» در سیر از آدم**«علیه‌السلام» **تا حضرت مهدی**«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه»**.** آن كس كه غایت تاریخ را می‌شناسد و می‌فهمد كه عصاره كار همه انبیا و اولیای الهی تنها با ظهور انسانی كامل و رهبری بزرگ در زمین محقق می‌گردد، در آن صورت است که در زندگی خود به هیچ كار بی‌ریشه‌ای در زمین دل نمی‌بندد و همه كارها را براساس نظر به انسان کامل ارزیابی می‌كند و خود را در زنجیره جهت‌دارِ حضور تاریخی حضرت آدم«علیه‌السلام» تا حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» جستجو می‌نماید. حال باید از خود بپرسیم «ما امروز در كجای آن تاریخ هستیم؟»

5-**و این، همه مرگ است .** امروز ما زنده‌ایم به وجود فردایی كه حضور شدیدترِ ما می‌باشد و هم اکنون با آن فردا و در آن فردا باید زندگی کنیم تا امروزِ ما معنا داشته باشد. زیرا همه هستی به انتهای پرثمر خود در سیر و در شوق هستند؛ وقتی زمین آنچه به واقع باید محصول بدهد در زمان مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» است، اگر انسان به آن مقصد نظر نداشته باشد، به قله ثمردهی خود نظر نكرده است و عملاً حالت بی‌ثمری خود را پذیرا شده است و این، همه مرگ است و همه سوء ظن به خدا.

6- **حضور در اکنونی متصل به دیروز و فردای توحیدی.** وقتی آدم‌ها به وجوه نهایی زندگی زمینی خود فكر نكنند و به وضع موجودشان تسلیم شوند، به پایان انسانیت خود رسیده‌اند. اگر فرموده‌اند: در زمان حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» زمین به نهایی‌ترین ثمره خود می‌رسد؛ نکته مهمی را گوشزد می‌کنند. همان‌طور که فرموده‌اند: یاران امام مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» روی هر قسمتی از زمین كه راه بروند آن قسمت از زمین نسبت به زمینِ كنار خود فخر می‌كند. مگر نه این است كه تمام عالم باید بستر پروریدن عالی‌ترین نحوه وجود انسانی بشود؟ معلوم است كه زمین به چنین انسان‌هایی افتخار می‌كند، زیرا خلقت زمین برای همین امر بوده است. در همین رابطه صدرالدین حموی می‌گوید: «لَمْ یَخْرُجِ الْمَهْدی حَتّی یُسْمَع مِن شِراكِ نَعْلَیه اَسرارِ التَّوحید»؛ مهدی خروج و قیام نمی‌كند مگر این‌كه از بند كفش او اَسرار توحید شنیده می‌شود. با توجه به این امور اگر كسی سنت خدا در تاریخ را درست بفهمد، هرگز حضور امام مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» برایش از یاد رفتنی نیست، زیرا آینده‌ای كه ادامة حال باشد، آینده نیست، بلكه حال است و حضور انسان در اکنونی که متصل به دیروز و فردای توحیدی است، حضور حقیقی می‌باشد.

7-**اتصال به انسانیتِ انسان کامل.** از پیامبر اكرم«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» درباره حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» پرسیدند؛ و حضرت فرمودند: او غیبتی طولانی دارد. جابر سؤال می‌كند: «هَلْ یَنْتَفِعُ الشّیِعَةُ بِالْقائِمِ«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» فِی غَیْبَتِهِ؟» آیا شیعه در غیبت حضرت قائم«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» از او بهره‌مند می‌شود؟ پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌فرمایند: آری! به خدایی كه مرا به نبوت برگزید، در زمان غیبت، نور و رحمتش از مردم بریده نمی‌شود مثل بهره‌مندی مردم از خورشید در پشت ابر». این است آن رابطه‌ای که انسان‌ها در بستر حضور انسانی خود هم‌اکنون می‌توانند از انسانیت انسان کامل بهره‌مند شوند.

8- **انسان موجودِ در راه است.** اگر حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» از نظر وجود و احساسی که هرکس از خود دارد، جانی هستند که جانِ همه انسان‌ها به حساب می‌آیند و هم‌اکنون هرکس می‌تواند در جان خود آن حضور نهایی را، هرچند به صورتی نازل تجربه کند؛ در آن صورت عملاً ابعاد متعالیِ خود و دیگر انسان‌ها را تجربه کرده است، هرچند آن حضورْ مستور و غایب باشد ولی در عین غایب‌بودن، روشنی‌بخش جان‌ها است و جان‌ها را به سوی نهایی‌ترین نهایتِ حضور جلو می‌برد و از این جهت «انسانْ موجودِ در راه است» و خود را با در راه‌بودن احساس می‌کند و از پروردگار خود تقاضا می‌کند: «اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيم» زیرا تفکر و اندیشه حقیقی همین در راه‌بودن است و حضور در شدنی بعد از شدن که مهم‌ترین مسئله تفکر حقیقی نیز هست.

9- **انسان منتظر و عمق‌بخشیدن به ابعاد وجودی خود/** امام جواد«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «اَفْضَلُ اَعْمَالِ شیعَتِنَا اِنْتِظارُ الْفَرَجِ» بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. حضرت سجاد«علیه‌السلام» در وصف منتظران حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» می‌فرمایند: «اَلْغیبةُ عِنْدَهُم بِمَنْزِلَةِ الْمُشاهده» غیبت نزد آن‌ها همانند مشاهده است. این است آن حضوری که انسان آخرالزمانی سختْ به دنبال آن است که در اکنونِ خود ارتباطی وجودی با انسان کامل دارد و ذیل نظر به حضور حضرت صاحب الأمر«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» همان ابعاد انسانی خود را عمق و گسترش می‌دهد.

10-**جایگاه نهایی‌ترین حضورِ آخرالزمانی.** آیا می‌توان در راستای بودن و شدنِ خود در «وجود» و در «هستی»، به نمادهایی از انسانیت نظر کرد که هستی ما در آینه وجود آن‌ها در حرکت است؟ این در صورتی است که از یک طرف در وجود خود، در عین شدن، حاضر شویم و از طرف دیگر جهتی را در شدنِ خود مدّ نظر داشته باشیم تا علاوه بر آن‌که در نزد خود هستیم، در آینده‌ای بسی توحیدی حاضر باشیم که جدا از ما نیست، بلکه آن آینده، انعکاسی شود از وضعیت امروزین ما. گویا می‌توان با نظر به مولای‌مان علی«علیه‌السلام» در صدر اسلام و با نظر به حضرت روح الله«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در این زمان، به نماد هایی نظر کرد که هستیِ ما در آینه وجود آن‌ها در حرکت است. در این صورت علاوه بر این‌که ما در فردای خود حاضر خواهیم بود، خود را در نزد همه انسان‌هایی که خود را با این نمادها تعریف کرده‌اند، حاضر می‌یابیم و این حضور می‌تواند همان نهایت حضوری باشد که در انسان‌های مؤمنِ آخرالزمانی با نظر به امامی که حیّ و حاضرند، پیش می‌آید و ما می‌توانیم در طلوعِ آن حضور و آن احساس حاضر باشیم، اگر «اصالت وجود» و «حضور بیکرانه اکنونِ» انسان مدّ نظر باشد.

11- **زیباترین طلب در ظهور نهایی‌ترین انسان.** انسان با ظهور حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در نهایتِ خود به کمال می‌رسد و با توجه به این امر معلوم می‌گردد چرا امام صادق«علیه‌السلام» توجه خاصی به امام زمان«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» دارند و می‌فرمایند: «لَوْ اَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَیّام حَیاتی» اگر مهدی را درک کنم تمام عمر در خدمت او قرار می‌گیرم. و یا امام حسین«علیه‌السلام» می‌فرمایند: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» پرسید. حضرت وقتی صفات او را ذکر کردند با حالتی سرشار از عشق و شیدایی آهی کشیدند و از شدت اشتیاقی که به ایشان داشتند؛ «أوْمَأ بِیدِهِ إلی صَدْرِهِ شوقاً إلی رُؤْیتِهِ» به سینه خود اشاره فرمود و گفتند: وه كه چه مشتاق دیدارش هستم. این به جهت آن است که حضرت مولای متقیان«علیه‌السلام» متوجه ظهور نهایی‌ترین انسان در منظر جهانیان می‌باشند و این زیباترین طلب است در نظر به ظهور نهایی‌ترین انسان.

12- **راهی در راستای روشنی افقِ جان.** حضرت باقر«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «مَا ضَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتظِراً لِاَمْرِنَا اَلاّ یَمُوتَ فِی وَسَطِ فُسْطاطِ الْمهدی و عَسْكَرِهِ» ضرر نكرده كسی كه در حال انتظارِ امر ما رحلت كرده، از این‌كه میان خیمه مهدی و لشكر او نمرده است. چون در طول زندگی، افق خود را در شرایط ظهور آن حضرت قرار داده است. همین‌که انسان ملاحظه می‌کند و می‌فهمد معنای حضور امام زمان«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در این زمانه یعنی چه؛ خود به خود افق جانش روشن می‌شود که اگر به یک معنا آن حضرت با غیبت خود در دوردست‌ها می‌باشند ولی ما نسبت به آن حضرت و نسبت به وجود انسانیت آن حضرت بیگانه نیستیم. انسانِ معتقد به ظهور مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» به فردایی می‌اندیشد كه امروزش سختْ به آن مربوط است و در نتیجه، همین امروز در فرج است و ماورای سایه سیاه زمانه، زندگی می‌کند و زندگی خود را بزرگ‌تر از محدوده امروز تعیین کرده و با حضوری گسترده به زندگی ادامه می‌دهد.

والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته